

# ساختمان سال ایران

## ملاقات با واقعیت:

## جایزه‌ی ساختمان سال و نقش آن در ارتقای معماری ایران

تحریریه‌ی هنرمعماری

فضای معماری ایران، فضایی چندقطبی و همچون فرهنگ این کشور، دارای معنا، مقاصد و بافت‌های مختلفی است. البته این تنوع و تکرر بهتر از هر نوع یکسانی و یکدستی است – همچون فرش ایرانی که با نقش و نگارش ارزشی چند برابر یافته – اما این به معنای آن نیست که مسیر معماری ما حق داشته باشد به هرسویی رفته و به مسائل خیالی و غیراخلاقی وارد گردد. قطعاً اگر روزی این تفکر در فضای فکری معماری ما حاکم شود، ما رسانه‌های معماری و کلیه‌ی ارکان حوزه‌های آموزش و فرهنگ معماری ایران باید به صحت و کیفیت اقدامات خود تردید کنیم؛ ما مقصر خواهیم بود و ما آدرس را به اشتباه داده‌ایم. هرسویی از فضای معماری که برویم، باید اخلاق و حرفه‌ای‌گری در آن رکن باشد. اینها چیزی نیستند که به کناری گذاشته شوند تا به دیگر مسائل بپردازیم، بلکه اگر این وجه از هویت را از فرهنگ خود بگیریم، دیگر هیچ معماری و دستاوردی، حتی بهترین آن از هر نظر، ارزش مبارزه برای این کشور را ندارد. این موضوع بسیار بدیهی است و ما مطمئن هستیم که همه‌ی استادان، معماران و دانشجویان معماری به آن واقف هستند و اگر گاهی سایش و اظهارنظری عجیب از گوشه‌ای مطرح می‌شود، تنها و تنها حاصل عدم آگاهی افراد می‌باشد ... که البته باز هم ما مقصریم، زیرا رسالت ما آگاهی‌بخشی و ایجاد پل فکری بین لایه‌های مختلف قشر معماری است.

ما نباید اجازه دهیم تا منافع فردی کوتاه‌مدت به این ارزش‌ها خدشه وارد سازند و باید بستری را مهیا کنیم تا کسی ناخواسته و به دلیل ناآگاهی به حرفه آسیب نرساند. هدفی که با همکاری جمعی همه‌ی رسانه‌ها و هسته‌های معماری حاصل خواهد شد. می‌بایست آگاه بود که برخی اقدامات و سخنان – خصوصاً از زبان نخبگان و بزرگان – در بلندمدت به ضرر معماری ایران و منافع جمعی حرفه می‌باشد. رسالت ما چیزی بیش از زیستن و زندگی کردن در این کشور است. متأسفانه قصور در حق حرفه در گذشته‌ی معماری ایران دارای سابقه است. مرور این سابقه جایگاه ما را روشن‌تر خواهد ساخت و نشان می‌دهد که اگر بر محور وفاق جمعی حرکت نکنیم، چه اتفاقات ناگواری ممکن است برای معماری کشور رخ دهد.

تا پیش از سال ۱۳۲۵، معماران صدایی نداشتند؛ یعنی علی‌رغم هزاران سال خدمت به کشور، به واسطه‌ی فعل و انفعالات جدید فرهنگی و سیاسی، نه تنها دیده نمی‌شدند که دیگر نقشی نیز در معادلات کشوری بازی نمی‌کردند، اما در تابستان سال ۱۳۲۵، شاهد طلوع عصری جدید در معماری ایران هستیم. در این ایام، نشریه‌ی آرشیفتک که از آن به عنوان نخستین نشریه (رسانه‌ی) معماری در ایران یاد می‌شود، منتشر گردید. وقتی سرمقاله و مقدمه‌های نشریه را مطالعه می‌کنیم، متوجه مشکلات زیاد این عزیزان در راه خدمت فرهنگی رسانه‌ای می‌شویم. شماره‌ی نخست این نشریه، در مرداد و شهریور ۱۳۲۵ (یعنی بیش از هفتادویک سال پیش) منتشر گردیده است و سرمقاله‌ی آن متعلق به آرشیفتک ا. مشیری است. فردی که اطلاعات زیادی از او در دست نیست. وی در ابتدا از اینکه نام مجله را به لاتین انتخاب کرده عذرخواهی می‌کند و دلیل تصمیم خود را جلوگیری از بروز سوءتفاهم عنوان می‌نماید و سپس اهداف مجله را به صورت واضح، به شرح ذیل عنوان می‌دارد:



**ROYA**  
TOTAL WALL & FLOOR COVERING SOLUTION  
[www.royaco.com](http://www.royaco.com)

شرکت رویا طرح داخلی حامی انحصاری جایزه‌ی ساختمان سال ایران

• بحث در باب فنون اجرایی معماری، شهرسازی و مسائل مربوط به آن

• چگونگی آخرین پیشرفت‌های فنون

• تجدید افتخارات صنعتی ایران و رفع نواقص موجود

• دوری نشریه از عالم سیاست

• توجه همزمان به مسائل اجرایی و نظری

• ترجمه‌ی لغات خارجی، بیگانه و فنی

وقتی به این اهداف نگاه می‌کنیم، هیچکس به اندازه‌ی ما بر هدف‌گذاری درست مشیری و دوستانش واقف نیست. اگر هر کدام از این اهداف، مورد توجه جدی اهل حرفه قرار گرفته بود، شاید تا امروز که بیش از نیم قرن از آن ایام می‌گذرد، بسیاری از مشکلات ما حل شده و از جایگاهی که امروز داریم، جلوتر بودیم. جالب آنکه مشیری در این مقدمه صراحناً اعلام کرده که هدف ایشان نقد معماری گذشته و تشریح مسائل آن برای جلوگیری از تکرار در آینده است. مشیری تأکید دارد که نشریه‌ی آنها بدون جانبداری و غرض، زیان و ضرر این اشتباهات را گوشزد کرده و از مسببین آنها به عنوان یک رسانه توضیح خواهد خواست. اما به زعم ما، نقطه‌ی اوج و طلایی این مقدمه جایی است که مشیری توضیح می‌دهد که او و همکارانش تلاش می‌کنند تا از ذکر نام افراد و آثار اجتناب ورزند، ولی از آنجا که پای منافع عمومی در میان است، باید با جدیت به کار خود ادامه دهند. اینکه یک مجله در ایران بیش از هفتاد سال پیش، چنین بینش و هدف‌گذاری دقیقی داشته است و اینگونه به توان اجرایی و عملیاتی خود، بدون توجه به سقف و محدودیت‌های موجود در فضای آن ایام کشور اذعان می‌کند و قدم در این راه می‌گذارد، باعث افتخار هر معمار ایرانی‌ای باید باشد. جالب توجه آنکه این نشان می‌دهد معماران و سطح بینش فرهنگی‌هتری مردم در آن زمان برای مطالبه‌ی چنین خواسته‌هایی ققدر بالا و آماده‌ی پذیرش بوده است.

اما ظاهراً در آن زمان نیز مشکلاتی بر سر راه آنها قرار داشته است. به عنوان مثال، مشیری در مقدمه‌ی شماره‌ی دوم نشریه، در آبان و آذر ۱۳۲۵ می‌نویسد: «چند نفری از مخالفین ما نقشه‌هایی برای کارشکنی و جلوگیری از مساعی صمیمانه و میهن‌پرستانه‌ی ما طرح نموده و تا توانستند اسباب دلسردی ما را فراهم ساختند».
بااین‌حال، نشریه‌ی آرشیتکت به کار خود ادامه می‌دهد و شماره‌ی سوم نشریه در بهمن و اسفند ۱۳۲۵ منتشر می‌گردد. در این شماره، مشیری وعده می‌دهد که شماره‌ی بعدی نشریه به موضوع خانه‌های ارزان قیمت اختصاص دارد؛ موضوعی بسیار مهم که حتی امروز نیز ما با آن دست به گریبان هستیم! او حتی شجاعانه آدرس منزل خود را در ابتدای مجله درج و نام خود را به عنوان سردبیر، مدیر مسئول و صاحب امتیاز نشریه معرفی می‌نماید. وی در محتوا هم توفیق داشت، زیرا براساس هدفش، توانسته بود از مسئولین برای پاسخگویی به افکار عمومی حرف بکشد. برای مثال نامه‌ای از ایرج شمس، مدیر اداره‌ی کل ساختمان شهرداری تهران و پاسخ و توضیح پیرامون ابهامات مطرح شده در نشریه‌ی آرشیتکت در این شماره منتشر گردیده است که در تاریخ معماری ایران استثنائی است. حتی امروز هم علی‌رغم گستردگی رسانه‌ها، قوانین حمایتی و مذاکرات پشت پرده باز هم اتفاق مشابهی نمی‌افتد. در همین شماره از نشریه می‌خوانیم: «کسانی که تصور می‌نمایند تنها احداث خیابان‌های عریض مستقیم و آسفالت‌کاری آنها موجب آبادانی شهرها می‌باشد، در اشتباهند. باید در درجه‌ی اول زیبایی و آرایش بناهای کنار خیابان را در نظر گرفت».
چقدر افق بلند مشیری و بوی سخنان منطقی او برای ما که امروز درگیر مسئله‌ی ساده‌ای به نام آرامش و زیبایی در خانه‌هایمان هستیم، آشنا است و آسان به مشام می‌رسد.

ا. مشیری در شماره‌ی چهار نشریه‌ی خود – که تنها شش شماره از آن منتشر شد – لب به انتقاد از وضع معماری بناها می‌گشاید و تقلید ناقص و ناموزون از اسلوب‌های معماری اروپایی را مولد وضع نابهنجار و خطرناکی می‌داند که مایه‌ی تأسف و نفرین آیندگان خواهد بود. او معتقد است که مقتضیات آب، خاک و هوا، سبک ملی، آداب و رسوم اجتماعی ما هرگز با ساختمان‌های نوساز فعلی سازگار نبوده و تطبیق داده نمی‌شود. متأسفانه حضور جریان معاندت که ذکر آن رفت، در شماره‌ی پنج نشریه‌ی آرشیتکت آنقدر ملموس است که حتی خطر آنها، تن ما را که بیش از هفتاد سال از آنها فاصله‌ی تاریخی داریم نیز می‌لرزاند. مشیری در مقدمه‌ی این نشریه، منتشر شده در بهمن ۱۳۲۶ می‌نویسد: «متأسفانه نه تنها همه‌ی تذکرات ما با بی‌اعتنایی کامل متصدیان امور مواجه گردید، بلکه بعضی از عناصر بی‌علاقه و مغرض در حدود توانایی و اقتدار خویش موانعی در سر راه ما ایجاد کردند». هر چند در همین شماره، نامه‌ی دیگری از ایرج شمس چاپ می‌گردد و از همکاران خبره در حرفه، برای نظرخواهی و همکاری پیرامون مسائل معماری و شهرسازی شهرداری دعوت می‌گردد، اما شماره‌ی بعدی نشریه‌ی آرشیتکت بیش از ۶ ماه بعد، در تیر ۱۳۲۷ منتشر می‌گردد و پس از آن برای همیشه، این نشریه و سردبیر و دبیران آن خاموش می‌شوند. مشیری حتی در آن شماره در نقش منتقد ظاهر شده و با چاپ اثر ویلایی از خود، مهارت‌های اجرایی و معماری همفکران خود را به رخ می‌کشد؛ پاسخی منفعلانه به انتقادات احتمالی موجود در آن زمان، چیزی شبیه به وضع کنونی منتقدان معماری در ایران و بزرگ‌ترین اتهام آنها، یعنی بیان همیشگی این جمله که «خودتان چه ساخته‌اید؟!» گویی هرکس بیشتر ساخته، حق انتقاد بیشتری دارد و نقد امری وابسته به اجرا است. آیا حقیقتاً شما بنایی از کنت فرامپتون، پل گل‌برگر و یا مامفردو تافوری می‌شناسید؟ حال آنکه ایشان از بزرگ‌ترین منتقدان و نظریه‌پردازان معماری در جهان هستند.

نشریه‌ی آرشیتکت ظاهراً تحت حمایت انجمن آرشیتکت‌های دیپلمه، یکی از نخستین اصناف معماری ایران بوده است. در شماره‌ی آخر این نشریه خبری از خداحافظی و عدم انتشار نشریه نیست. بنابراین به نظر می‌رسد توقف چاپ مجله، اتفاقی و به دلیل بروز مسائل جدی و ناگهانی بوده است. بااین‌حال، ا. مشیری و همکارانش در لایلای تاریخ گم نشدند. آنان امروز الهام‌بخش ما هستند. کسانی که در جایی میان جریان دلسوز معماری ایران مقتدرانه ایستاده‌اند. با اینکه به نظر می‌رسد این فرهیختگان سپهر معماری ایران خاموش یا سرکوب شدند، اما فراموش نگشتند و ما امروز وادار به تحسینشان هستیم؛ چیزی شبیه به یک اسطوره‌ی ناشناخته، اما نجات دهنده.

تجربه‌ی آرشیتکت در عصر ما تکرار نشده، اما کارهای بسیاری باقی مانده که باید انجام پذیرد. رسانه‌های معماری و ستون فقرات آن، نشریات معماری، در قوی‌ترین موضع خود قرار دارند. ما با پتک، معماری می‌سازیم و آنقدر از حمایت بزرگان این حرفه برخوردار هستیم که کار را به پیش ببریم. مهم نیست که هرکدام از ما – منظور تمام رسانه‌ها و واحدهای فرهنگی–آموزشی معماری کشور است – به صورت هسته‌ای جداگانه عمل می‌کنیم و بعضاً دچار سایش یا موازی‌کاری می‌شویم. مهم این است که برابند تمام این فعالیت‌ها باعث شده است که صدای معماری ایران در این ایام بلندتر از هر زمان دیگری باشد. صدایی که امیدواریم روزی اثرگذاری آن نیز به همان میزان باشد. تفکرات و گروه‌های متفاوتی در معماری ایران فعال هستند و هریک به پیشبرد اندیشه کمک می‌کنند و به نظر می‌رسد دیگر روزگار خاموش کردن و حذف امثال مشیری طی شده باشد.

وضع قوانین جدید در مسابقات به مرور زمان باعث ارتقای فرهنگ حرفه‌ی معماری می‌شود و می‌توان امیدوار بود که به زودی با جهشی در معماری ایران مواجه باشیم. جهشی که از نظر ما می‌بایست بر ارتقای کیفیت فضاهای ساخته شده، اثر گذار باشد و سطحی جدید از اندیشه را ایجاد نماید. جایزه‌ی ساختمان سال ایران نیز یکی از همین سطوح اندیشه‌ی جدید است که فضای اندیشه را به نفع واقعیت‌گرایی در معماری ایران و توجه به جزئیات، مسائل اجرایی، صنعتی‌سازی، دوری از سیاست و نهایتاً ارائه‌ی ترجمان جدیدی از معماری تغییر می‌دهد. هریک از رسانه‌های معماری به فراخور خود از مزیت‌ها و قابلیت‌هایی برخوردار هستند و ما نیز به عنوان برگزارکننده‌ی جایزه‌ی ساختمان سال ایران، با برخورداری از بنیان علمی مؤسسه، سابقه‌ی خود، حرکت در جهت رعایت عدالت و حقوق شرکت‌کنندگان، شفافیت در برخورد با مسائل و تعامل و پاسخگویی به مردم و معماران، مقبولیت عمومی نزد اهل حرفه و منتقدین، به راه خود ادامه می‌دهیم.

متأسفانه حضور ویروس تصویرسازی و تنزل معماری به پوستر و نقاشی در معماری ایران واضح است و کتمان آن راهگشا نخواهد بود و آگاهی‌بخشی به معماران موجب توقف این روند خواهد شد. شاید مشیری و همکارانش متحمل مشقت‌های زیادی در این راه (آگاهی‌بخشی به اهل حرفه) شده باشند، اما قطعاً کوشش‌های آنها بی‌حاصل نبوده است. البته مشخص است که ساخت چنین زیرساخت اطلاع‌رسانی و آگاه ساختن همه‌ی مردم و معماران از چنین جریان‌ی زمان‌بر خواهد بود، اما مشخص است که جایزه‌ی ساختمان سال ایران، از همان روزی که پوسترش منتشر شد، اثرگذاری خود را آغاز نموده است. قانون بازدید حضوری از بناها، داوری دو مرحله‌ای این جایزه، تیم داوری منتقد، خبره و چندبعدی و نهایتاً برگزارکننده‌ی این رویداد، قطعاً برای برخی که عادت داشتند با ارسال پوستر قیمی، آثار خود را به قضاوت بگذارند، قانونی سخت و سنگین بوده است. پرداخت وجه ورودی به مسابقه برای کسانی که به مسابقات با تضمین کسب رتبه دعوت می‌شدند، قطعاً سنگین است. به‌هرحال همه‌ی این قوانین در جهت تکمیل زحمات پیشینیان و دیگر مسابقات است و همان‌گونه که مطرح شد، برابند همه‌ی این برنامه‌ها به نفع معماری ایران خواهد بود. باعث افتخار است که در این راه، همراه و همگام استادان و اهالی حرفه و معماران هستیم.

قدرت منطق معماری، همان قدرتی است که به اجداد ما یاد داد برای فرار از فشار، طاق بسازند، برای فرار از حیوانات بر بلندی بروند، برای لذت بردن رو به منظر برگردانند و نهایتاً برای زندگی کردن، ابتدا فضای خود را بیارایند. واقعیت آن است که در باطن مسئله، منطق معماری، قانون اصلی «جایزه‌ی ساختمان سال» است که بزرگ‌ترین پشتوانه‌ی نظری جایزه نیز می‌باشد. این همان قدرتی است که در واقع معماری را خلق کرده و آن را تا جایگاه امروزی‌اش به پیش آورده است، هر چند در مقاطعی از معماری جهان، احساسات و هیجانات کاذب بر پوسته‌ی کار غالب شده‌اند. ضمن تشکر از جناب آقای علی تمیزکار، مدیریت محترم شرکت رویا طرح داخلی به دلیل تلاش‌های مجدانه‌ی ایشان در ترویج اخلاق حرفه‌ای در فضای معماری کشور و اقدامات انسان‌دوستانه و فرهنگ محور، شاید در این انتها نگاهی مجدد به داوران و معیارهای این جایزه، خالی از لطف نباشد. شاید هفتاد سال بعد، وقتی که آیندگان در حال خواندن و قضاوت ما باشند، از ما به دلیل حل این مسائل در معماری ایران به کمک جایزه‌ی ساختمان سال ایران یاد کنند و با طرح مسائلی جدید به فراخور زمان و زمانه‌یشان، معماری ایران عزیزمان را به پیش ببرند.

**داوران جایزه‌ی ساختمان سال ایران (به ترتیب حروف الفبا)**

• شیوا آراسته

• سیروس باور

• سیاوش تیموری

• کوروش حاجی‌زاده

• عبدالرضا ذکائی

**معیارهای هشت‌گانه‌ی جایزه‌ی ساختمان سال ایران**

• جریان‌ساز در سپهر معماری ایران

• دارای دیدگاه انتقادی و بینش معقول نسبت به شرایط کنونی

• توسعه‌ی لبه‌ی معماری و مفاهیم هنری

• الهام‌بخش بودن برای نسل کنونی و نهادی معتبر برای آیندگان

• عدم تخریب پایداری زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی

• توجه سخاوتمندانه به عرصه‌ی عمومی یا محیط پیرامونی

• استفاده‌ی منطقی از مصالح و دقت در طراحی جزئیات

• ارتقای کیفیت معماری و اجرای آن

مستند تصویری بازدیدهای سه اثر فینالیست و داوری نهایی جایزه‌ی ساختمان سال ایران ۱۳۹۵



بازدید از ویلاي لواسان، دفتر معماری حریری و حریری



[عکاس: سیده ابراهیمی مهر]



[عکاس: شهریار خانی‌زاد]



تصاویر این صفحه: بازدید از هارمونی سنتر (کرج)، مرتضی رحیمی فاراب

تصاویر این صفحه: بازدید از ویلی کردان، سهراب رفعت و همکاران

[عکاس تصاویر این دو صفحه: شهریار خانی‌زاد]



[عکاس: سپیده ابراهیمی مهر]



[عکاس: حسین برازنده]



[عکاس تصاویر این صفحه: حسین برازنده]



تصاویر این چهار صفحه: نخستین ضیافت عصرانه‌ی معماران ایران به مناسبت معرفی برنده‌ی جایزه ساختمان سال ایران ۱۳۹۵ [عکاس تصاویر این دو صفحه: حسین پرازنده]



به نام خدا

تاریخ: ۹۶/۰۱/۱۹  
شماره: ۹۶/۵۷  
پیوست: ندارد

موضوع: بیانیه هیئت داوران جایزه ساختمانی سال ایران ۱۳۹۵

صورت ظاهر فنا گردد بدان، عالم معنا همانند جاودان  
(مولانا، دفتر دوم مثنوی معنوی)

هیئت داوران جایزه ساختمانی سال ایران، پیش از همه لازم می‌داند تا مراتب سپاس خود را از حامی انحصاری رویداد، جناب آقای علی همیزکار مدیرعامل شرکت رویا طرح داخلی، به جا آورند که با حضور خود به عنوان حامی این اتفاق فرهنگی، سهمی در ارتقای سطح معماری ایران زمین داشته است. همچنین از کلیه شرکت‌کنندگان، به واسطه حضور و همکاری صادقانه، واقع‌بینانه و حرفه‌ای ایشان کمال تشکر و قدردانی را داریم. بی‌شک حضور در جایزه ساختمانی سال ایران برای قضاوت آثار، به خودی خود نشان از سطح بالای آثار و علاقه‌ی ایشان به تعمیق عقلانیت در معماری ایران دارد. این جایزه از آن جهت می‌تواند مهم و تأثیرگذار تلقی گردد که سطح نوینی را در فرهنگ معماری ما خلق می‌نماید. دو دلیل اصلی این اثرگذاری به شرح ذیل می‌باشند:

۱. اعمال شرایط خاص برای ورود پروژه‌ها به این رویداد، جدا از تأثیر مثبت بر روند کلی مسابقه، تا حدودی قضاوت اولیه را بر عهده‌ی خود معمار/طراح می‌نهد که آیا بنای طراحی و اجرا شده توسط ایشان به عنوان بخشی از سرمایه‌ی ملی کشور می‌تواند تلقی گردد و یا توانایی رقابت و نقد کارشناسانه را دارد یا خیر.

۲. اجرای سنگین و پرمشقت بازدیدهای حضوری از پروژه‌های ساخته شده، افقی جدید را بر فضای رقابتی معماری کشورمان کشود. در روند اجرای این جایزه ملی، ابتدا مؤسسه فرهنگی هنری هنر معماری قرن (ایده‌پرداز و برگزارکننده جایزه) به عنوان دبیرخانه، وظایف اطلاع‌رسانی و دعوت از اهل حرفه را به سرانجام رسانید و در موعد مقرر، نسبت به گردآوری اسناد آثار اقدام نمود. کنترل کیفیت آثار ارسالی نیز در همین مرحله صورت پذیرفت و در همین گام نخست، اثری که معماری آن بر عهده‌ی فردی از اعضای تحریریه‌ی مجله‌ی هنر معماری بود (از شهر یزد) حذف گردید و وجه پرداختی آن برای ورود به جایزه (طبق قوانین دبیرخانه‌ی جایزه) به وی بازگردانده شد. سپس فرایند داوری در دو مرحله صورت پذیرفت:

۱. مرحله‌ی نخست: مرور اسناد با هدف بررسی میزان انطباق اثر ارسالی با معیارهای جایزه، ارزش‌شناسی، تحلیل و نقد آثار. آنچه از این گام نتیجه گرفته شد، لیستی از راه‌یافتگان (shortlist) به مرحله‌ی بعد بود. دبیرخانه به برگزارندگان این بخش، اطلاع‌رسانی‌های لازم را انجام داد و معماران را آماده‌ی بازدید حضوری داوران اصلی از آثارشان نمود.

۲. مرحله‌ی دوم: بازدید از آثار با حضور کلیه داوران و معماران و در صورت لزوم، دست‌اندرکاران، کارفرمایان و مجریان پروژه. از این بازدیدها، گزارش، فیلم و مصاحبه‌هایی توسط دبیرخانه تهیه شد و سه ساختمان نهایی انتخاب گشتند. این سه اثر معماری عبارتند از مرکز هارمونیک سنتر به طراحی مرتضی رحیمی، ویلا کردان به طراحی سهراب رفعت و ویلا لوسان به طراحی کیسو حریری و مژگان حریری. در خاتمه، جلسه‌ی نهایی با حضور کلیه اعضای هیئت داوران و مسئولین جایزه برگزار گردید. در این جلسه، داوران، دلایل و معیارهای خود را برای انتخاب اثر برتر ابراز نموده و ضمن بحث و بررسی گزارش‌ها «ساختمان سال ایران ۱۳۹۵» را برگزیدند.

اگرچه در هر فصلی، کم و کاستی‌هایی وجود دارد و کمال مطلق متعلق به ذات الهی است، لیکن براساس رأی قاطع کلیه داوران، ویلا لوسان، با معماری خانمها کیسو حریری و مژگان حریری، از دفتر معماری «حریری و حریری» و با کارفرمایان رامین وارسته و مجری طرح نوید قاسمی به عنوان ساختمان سال ایران در سال ۱۳۹۵ انتخاب گردید. این اثر، نمایی از توان معماری در خلق فضای انسانی است و تمامی هشت معیار اصلی مدنظر برگزارکننده و هیئت داوران را نیز دارد، لیکن نظر به آداب داوری، هیئت داوران دلایل انتخاب خود را به شرح ذیل اعلام می‌دارد:

با مجوز رسمی شماره ثبت ۱۷۷۲۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
تهران، خیابان مفتاح شمالی، پایین‌تر از خیابان مطهری، خیابان زهره، خیابان قابوسنامه، پلاک ۱، طبقه همکف، واحد ۶ تلفن: ۰۱-۸۸۳۴۲۹۶۰  
www.aoa.ir aoaapub@gmail.com



تاریخ: ۹۶/۰۱/۱۹  
شماره: ۹۶/۵۷  
پیوست: ندارد

۱. جوهرنگر و خالق نظام فضایی: در این اثر، هر جزء فضایی خصوصیت خاص خودش را دارد، اما در یک نظام تشکیلاتی خصوصیات دیگری نیز برای او تشکیل می‌شود. اگر همین جزء بسیار کوچک را از نظام خارج کنیم، نظام تشکیلاتی بر هم می‌خورد. در این اثر آن نظام تشکیلاتی ایده‌آل به نحوی شکل گرفته است که منجر به خلق «نظام فضایی» موفق شده است.

۲. توجه به فضا: کم‌انتایی و کاهش تعلق خاطر به فرمالیسم حاکم بر فضای معماری جهان: تلاش برای ساخت بناهایی لبریز از فضا؛ تولید حس فضایی سیال، اتمسفر آرامش‌بخش، مطابق با عملکرد بنا در داخل تک‌تک ریزفضاها؛ کوشش برای ایجاد امکان رؤیت بی‌واسطه‌ی فضاها؛ معلق بودن فضا در تمامی عرصه‌ها؛ حفظ هارمونی فضا و خط آسمان در تمامی جبهه‌های اثر.

۳. توجه به محیط و زمینه‌گرایی: توجه به طبیعت اطراف و موقعیت بنا؛ استفاده از تمامی امکانات طبیعی سایت در حد عالی و تفویض ارزش بیشتر به آن؛ توجه به نیروهای زمینه؛ در نظر گرفتن سایت و منظر پروژه به عنوان بخشی از معماری؛ خلق فضای سبز منحصربه‌فرد، پوشش گیاهی و درختان متناسب با طراحی داخلی؛ حذف نکات منفی سایت با استفاده از قدرت معماری.

۴. خلاقیت هدفمند و منطقی: عدم تخریب پایداری زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی؛ رعایت توازن، تعادل و هم‌وزنی فضایی؛ ارتباطات فضایی منطقی و متناسب با کاربر؛ رعایت همجواری درست کاربری‌ها؛ هماهنگی مناسب ریزفضاها با یکدیگر.

۵. انسان‌محور و نگاه به حس معماری ایرانی: گذر از مقیاس‌های ماشینی در طراحی معماری؛ توجه به مقیاس‌های انسانی؛ ایجاد حس فضای معماری ایرانی؛ توجه بسیار ویژه و قدرتمند به روان‌شناسی و عصب‌شناسی.

۶. دارای نگاهی تعاملی به جامعه و حرفه‌مندان: همکاری عالی مهندسين معماری، معماری داخلی و سازه برای خلق اثر؛ فرصت‌ساز در ارتقای سلیقه مردمی؛ فرصت‌ساز در ایجاد رابطه‌های تعاملی بین اهالی حرفه.

۷. توجه به معماری داخلی و جزئیات معماری: ورود به عرصه‌ی معماری داخلی به صورت حرفه‌ای؛ توجه به اجزای طراحی داخلی و دکوراسیون ساختمان؛ دقت در جزئیات، انتخاب جزئیات معقول و کوشش در جهت رشد کیفیت ساختمان‌سازی در ایران.

۸. نگاهی واقع‌گرایانه به فناوری و ظرفیت‌های آن: اجتناب از ساخت تصویر خیالی و غیرواقعی از اثر و توانایی‌های طراحان در رسانه‌های معماری؛ تعهد به اخلاق حرفه‌ای در تعامل با رسانه‌ها؛ تعهد به نیازهای کارفرما و زندگی او پس از تحویل پروژه؛ استفاده از فناوری‌های نوین و به‌روز چه در کلیات، مانند سازه و مصالح، و چه در جزئیات؛ هوشمندسازی امکانات در چارچوب نیازهای معقول کارفرما و طرح معماری.

ما به عنوان داوران جایزه ساختمانی سال، لازم می‌دانیم تا از مالک اثر و کارفرمای پروژه، جناب آقای رامین وارسته نیز تشکر و قدردانی ویژه‌ای نمایم. بی‌شک حضور اعتمادساز ایشان در کنار تیم معماری در خلق این اثر، بسیار تأثیرگذار بوده است؛ اثری که باید آن را اثری واجد ارزش‌های معمارانه و شعری نو از همنشینی ماده و فضا در جریان معماری امروز ایران دانست. فراموش نکنیم که در نهایت، این حس مکان و فضای معماری است که معماری را معنا می‌کند و به آن رنگ و بو می‌بخشد. در خاتمه، ضمن آرزوی توفیق برای تمامی معماران ایران زمین، از کلیه استادان حرفه و عزیزان جوان‌تر برای ترویج معماری ارزش‌محور، توجه به واقعیت‌های معماری در ایران و کوشش در جهت ارتقای معماری این سرزمین برای حضور در رویدادهایی از این دست، دعوت به عمل می‌آید.

هیئت داوران جایزه ساختمانی سال ایران

فروردین ۱۳۹۶

شیوا آراسته      سیروس باور      سیاوش تیموری      کوروش حاجی‌زاده      عبدالرضا ذکاکی

با مجوز رسمی شماره ثبت ۱۷۷۲۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تهران، خیابان مفتاح شمالی، پایین‌تر از خیابان مطهری، خیابان زهره، خیابان قابوسنامه، پلاک ۱، طبقه همکف، واحد ۶ تلفن: ۰۱-۸۸۳۴۲۹۶۰

www.aoa.ir aoaapub@gmail.com

## یادداشتی در مورد معماری ویلای لواسان

سیروس باور، اسفند ۱۳۹۵

در این بنا به دو چیز برمی‌خوریم: یکی تجربه‌ی چشم‌انداز از طبیعت اطراف و دیگری، احساس اینکه در مرکز فضایی که از یک طرف به کوه بسته شده و از طرف دیگر در بستر طبیعی معلق و آویزان است. فضای باز چمنزار آن، دید را به سوی فضای دنج نیمه‌بسته‌ای هدایت می‌کند که هم بسته است و هم باز. در گوشه‌ای از آن، بخاری گازی درازی، حرارات خود را جبران بادهای سرد پاییزی می‌کند و در روبرو، دید به طرف استخر آبی کوچکی می‌رود که تراز سطح آب آن، با تراز تخته‌های درزدار پوشش کف به همدیگر می‌رسند که اختلاف سطح آنها محسوس نیست. اگر رنگ، آنها را جدا می‌کرد، می‌توانستیم روی آب هم گام برداریم. طرف دیگر استخر به وسیله‌ی شیشه‌ی شفاف به ارتفاع تقریبی یک متر قرار دارد که بالای آن دستگیره‌ای (Handrail) وجود ندارد و عرصه‌ی دید را تا بی‌نهایت، آنجایی که رودخانه و دریاچه به کوه‌ها می‌رسند، هدایت می‌کند. سطح آب استخر، بدون برخورد به شیشه، مانند این است که پایین می‌ریزد و انتهای ندارد، ولی از بیرون که نگاه می‌کنیم در آنجا پاشویه‌ای وجود دارد که آب را جمع‌آوری می‌نماید.

فضای سطح بالایی بخش شمالی آن روی فضای نیمه‌باز پایین قرار دارد، ولی حجم جنوبی آن فقط روی اتاقک جعبه‌مانند آسانسور به صورتی قرار گرفته که حس تعادل و معلق بودن در فضا را تداعی می‌کند. اگر بخواهیم در مورد معماری این بنا استدلال کنیم، باید متوجه باشیم که معماری مدرن، تنها شامل مجموعه‌ای از فرم‌های نوین نیست، بلکه نحوه‌ی جدیدی از تفکر است که جهان‌بینی را تأیید می‌کند. این مجموعه‌ی مسکونی مؤید همین مطلب است که کارفرما، یعنی خانواده‌ای که در این فضا زندگی می‌کنند، دارای فرهنگی پیشرفته‌تر از معمول هستند.

فضاهای مختلف این مجموعه نه تنها چهار فصل را در خود دارند، بلکه همه‌ی انواع تسهیلات رفاهی که شخص بعد از زمان کار روزانه به آن احتیاج دارد را فراهم نموده‌اند – چه برای جوانان و چه برای سالمندان. یک فضای چمن با گلکاری، همراه با یک «کیوسک» جهت نشستن و صرف عصرانه، یک فضای نیمه‌باز برای گذراندن اوقات فراغت در فصل‌های بهار و پاییز و همچنین، در سطح پایین، فضای بسته‌ی دیگری برای سرگرمی‌های زمستانی و بالاخره فضاهای خصوصی خواب و فضاهای گردهمایی خانوادگی. همه در این بنا به نحو مطلوبی در رابطه با یکدیگر توزیع گشته‌اند.





در این بنا به دو چیز بر میخوریم. یکی تجربه چشم انداز از طبیعت اطراف و دیگری احساس اینکه در مرکز فضای یک اتاق طرف به کوه بسته شده و در طرف دیگر در طبیعت معلق و آزاد است. فضای باز چنین دارد آن دید را به سوراخ فضای درج نیم بسته از هدایت میکند که هم بسته است و هم باز. در گوشه از آن بخار گاز در همان حرارت خود را به هوا میبرد و پائین میزند و در روبرو در طرف استخر آب کوهی میبرد که تراز سطح آب آن با تراز تخته آردن در پوست کف بهم میزنند که اختلاف سطح آنها محسوس نیست. اگر رنگ آنها را جدا نمیکرد می توانستیم در آب هم گام برداریم. طرف دیگر استخر بوسیله شش شگافی به ارتفاع تقریبی سه متر قرار دارد که با آن دستگیره Handrail وجود ندارد. محصور در آن نهایت آن جایگزین رودخانه دریاچه به کوه میزنند، هدایت میکند سطح آب استخر بدون برخورد به شش شگردین است که پایین میزند، آنها را از دروازه بیرون که نگاه میکنیم در آنجا پاچویه و صوف دارد که آب را جمع آورد میکنند.

فضای سطح بالای استخر شمال آن در فضای نیم باز پایین قرار دارد و در حجم کلی فقط در آن اتاقک جمع مانده آسانسور بصورتش قرار گرفته که حس تعادل و معلق بودن در فضای آزاد را تداعی میکند.

اگر بخوانیم در مورد معماری این بنا استدلال کنیم باید متوجه باشیم که

معماری در این بنا به دو چیز بر میخوریم. یکی تجربه چشم انداز از طبیعت اطراف و دیگری احساس اینکه در مرکز فضای یک اتاق طرف به کوه بسته شده و در طرف دیگر در طبیعت معلق و آزاد است. فضای باز چنین دارد آن دید را به سوراخ فضای درج نیم بسته از هدایت میکند که هم بسته است و هم باز. در گوشه از آن بخار گاز در همان حرارت خود را به هوا میبرد و پائین میزند و در روبرو در طرف استخر آب کوهی میبرد که تراز سطح آب آن با تراز تخته آردن در پوست کف بهم میزنند که اختلاف سطح آنها محسوس نیست. اگر رنگ آنها را جدا نمیکرد می توانستیم در آب هم گام برداریم. طرف دیگر استخر بوسیله شش شگافی به ارتفاع تقریبی سه متر قرار دارد که با آن دستگیره Handrail وجود ندارد. محصور در آن نهایت آن جایگزین رودخانه دریاچه به کوه میزنند، هدایت میکند سطح آب استخر بدون برخورد به شش شگردین است که پایین میزند، آنها را از دروازه بیرون که نگاه میکنیم در آنجا پاچویه و صوف دارد که آب را جمع آورد میکنند.

فضای سطح بالای استخر شمال آن در فضای نیم باز پایین قرار دارد و در حجم کلی فقط در آن اتاقک جمع مانده آسانسور بصورتش قرار گرفته که حس تعادل و معلق بودن در فضای آزاد را تداعی میکند.

اگر بخوانیم در مورد معماری این بنا استدلال کنیم باید متوجه باشیم که

چهار جوانان، هم بر سر میز نشاندن -  
یک فضای چنین با همکاری همراه با یک "کیوسک" جهت

نشستن و صرف عصرانه. یک فضای نیم باز برای گذران اوقات فراغت در فضای بهار و پاییز، و در سطح پایین فضای بسته ای دیگر برای سرگرمی از مستانه و بالاخره فضای مخصوصی خواب و فضای گرم همایشها خواهد گشت.





ویلاي لواسان  
(معماری از گیسو حریری و مزگان حریری)

دفتر معماری حریری و حریری

ساختمان سال

۱۳۹۵

---

**HARIRI&HARIRI**  
ARCHITECTURE



## چرا ویلای لواسان به عنوان ساختمان سال ایران انتخاب گردید؟\*

شاید شفاف‌ترین پاسخ به پرسش مطرح شده در عنوان این باشد که چون «این ساختمان بلد است از خودش دفاع کند!». اما تمایل داریم پیش از اینکه داستان این جمله کوتاه را برای شما بازگو کنیم، به بررسی نظری از ریچارد نویترا (۱۹۷۰-۱۸۹۲ میلادی) بپردازیم. ریچارد نویترا در کتاب خود تحت عنوان بقا به واسطه طراحی (*Survival Through Design*) می‌نویسد: «... خانه را می‌توان مثل حقوق ماهانه طراحی کرد. در این حال، رضایت از طراحی ناشی از عادت (*Habituation*) است، اما شیوهی کاملاً متفاوتی نیز وجود دارد: طراحی برای حسی مثل دلهره‌ی عاشقانه، طراحی برای یک لحظه، برای کسری از یک ثانیه. [دیدیم‌ایم که] تجربه‌ی تمام یک عمر می‌تواند در چند خاطره گرد آید. این بیشتر شبیه به شیوه‌ی اخیر طراحی است: آمیختن با هیجان یک واقعه، در مقابل روند نخست که به امری ثابت و ملال‌آور می‌پردازد. ارزش یک در کشویی عریض که به یک باغچه باز می‌شود در همین است. [...] در این دنیای پیچیده، طراح نباید فقط طبق اصول زیبایی‌شناسی محض که ریشه در گمان‌هایی قدیمی دارد، عمل کند. [...] چه از آن آگاه باشیم یا نباشیم، چه در محیط ایجاد شده خوشایندمان باشد یا آزارمان دهد، به هر صورت، صدای اتاق به عنوان یک پدیده‌ی صوتی پیچیده، حتی در اندک طنین‌های خود نیز، بر ما مؤثر است.» (نویترا ۱۹۵۴، به نقل از مالگریو، ۱۳۹۵)

«این ساختمان بلد است از خودش دفاع کند» در واقع آخرین جمله‌ای بود که کارفرما و مالک ویلای لواسان، اثر خواهران حریری، در مکالمه‌ی تلفنی‌مان به ما پاسخ داد. وقتی از او خواستیم که روز بازدید داوران جایزه‌ی ساختمان سال، در محل حاضر باشد و تأکید کردیم که به دلیل عدم حضور معماران بنا در ایران ممکن است عمق اثر آنها برای داوران مشخص نشود و بهتر است معماران یا خود او برای بیان توضیحاتی هرطور که شده در محل حضور داشته باشند، او پاسخ ما را تنها با یک جمله بیان کرد: «این ساختمان بلد است از خودش دفاع کند» و اینچنین بود که تیم نخست داورى پس از بازدید از این بنا، اصرار داشتند که حتماً تیم دوم داوران هم اثر را ببینند و به گزارش‌های آنان و جلسه‌ی نهایی اکتفا نشود. این بود که برای رعایت عدالت، آثار فینالیست، یا توسط کل تیم داوران در یک مرحله و یا هر یک دوبار بازدید شدند. اما ماجرا چه بود؟ ظاهراً ویلای لواسان، اثر خواهران حریری، توانسته بود به راحتی از سد تمام معیارهای سخت و عمیق جایزه‌ی ساختمان سال ایران گذر کند. این بنا، نه تنها با معیارهای داورى تطابق کامل داشت که پا را نیز فراتر گذاشته بود. ساختمان چیزی بیش از یک فرم کنسول شده در اراضی شیبدار لواسان بود و انفجارات پیاپی فضایی آن بیننده را تحت تأثیر قرار می‌داد. بنا قدم به وادی ارزش‌هایی گذاشته بود که در معماری ایران از آنها غافل هستیم یا فرصت توجه به آنها را نداریم. در ظاهر امر، دکوراسیون داخلی با هنرمندی خاصی چیدمان شده بودند و به خوبی قدرت همنشینی «معماری و دکوراسیون داخلی» را برای ما زنده می‌کرد؛ اصطلاحی که کم‌کم در حال پاک شدن از حافظه‌ی معماری‌مان است. جالب آنکه سازه‌ی بنا نیز علی‌رغم سختی کار، به خوبی پاسخگوی نیاز معماران شده بود؛ اصلی که ایده‌آل است، اما گاهی برعکس می‌شود و معماری در خدمت سازه قرار می‌گیرد.

اما مهم‌تر از طراحی داخلی و سازه‌ی بسیار هماهنگ با معماری و نیازهای کارفرما، اثر «حال خوبی» داشت. ماجراجویی فرمال در فضاها دیده نمی‌شد، به جزئیات به خوبی پرداخته شده بود، اجرا مناسب بود و مهم‌تر از همه به مسائل اساسی معماری پاسخ داده شده بود؛ پاسخی که کیفیت فضای معماری را ارتقا داده و به کاربر بنا حس خوبی را منتقل می‌کرد. تقریباً شبیه چیزی که نویترا می‌گوید یا تعریف کوربوسی کبیر از فرق معماری و ساختمان:

«شما سنگ، چوب و بتن را به کار می‌گیرید و با این مصالح خانه‌ها و محله‌ها را می‌سازید. این، یعنی ساختمان‌سازی، کاردانی و مهارت در کار. ولی ناگهان شما در قلب من تأثیر می‌گذارید، به من خوبی می‌کنید، من خوشحال می‌شوم و می‌گویم: "این زیباست!"، این، یعنی معماری؛ یعنی هنر در آن وارد می‌شود. خانه‌ی من قابل استفاده است. از شما متشکرم، همان‌گونه که بایستی از مهندسين راه‌آهن یا خدمات تلفن متشکر باشم. شما در قلب من تأثیر نگذاشتید، ولی فرض می‌کنیم دیوارها به طرف آسمان سر بلند کرده‌اند، به طوری که مرا تحت تأثیر قرار می‌دهند، منظور شما را در می‌یابم.

\* [عکاس تصاویر: حسین برازنده]

### مشخصات پروژه:

نام پروژه: ویلای لواسان

طراحی: گیسو حریری و مؤگان حریری

کارفرما: رامین وارسته، رعنا وارسته

نظارت و اجرا: نوید قاسمی، پرویز کریمی

تاریخ شروع: بهار ۱۳۹۱

تاریخ پایان: بهار ۱۳۹۵

آدرس پروژه: لواسان، استلک بالا، خیابان شکوفه، خیابان نگار، پلاک ۵۰

وبسایت: <http://www.haririandhariri.com/>

اینستاگرام: [haririandhariri](https://www.instagram.com/haririandhariri)

ایمیل: [info@haririandhariri.com](mailto:info@haririandhariri.com)









حالت فکری شما لطیف، سرد، زیبا و باشکوه بوده است. این را سنگ‌هایی که به پا داشته‌اید به من می‌گویند. شما نظر مرا به آن مکان جلب می‌کنید و چشمان من آن را می‌نگرند. آنها چیزی را می‌بینند که گرایشگر یک فکر است. فکری که نه با صدا یا کلام، بلکه تنها به وسیله اشکالی که در رابطه‌ی معینی با یکدیگر قرار دارند آشکار می‌شود. این اشکال به گونه‌ای هستند که در نور به وضوح نمایان می‌گردند. روابط بین آنها لزوماً ربطی به قابل استفاده یا در خور تشبیه بودن ندارد و آنها آفرینش ریاضی ذهن شما هستند؛ آنها زبان معماری‌اند. با استفاده از مصالح خام و شروع از شرایطی که کمابیش متکی بر سودمندی هستند، شما روابط معینی را به وجود آورده‌اید که احساسات مرا برانگیخته است ... این، یعنی معماری.» (لوکوربوزیه ۱۹۲۳، به نقل از بلخاری، ۱۳۹۵)

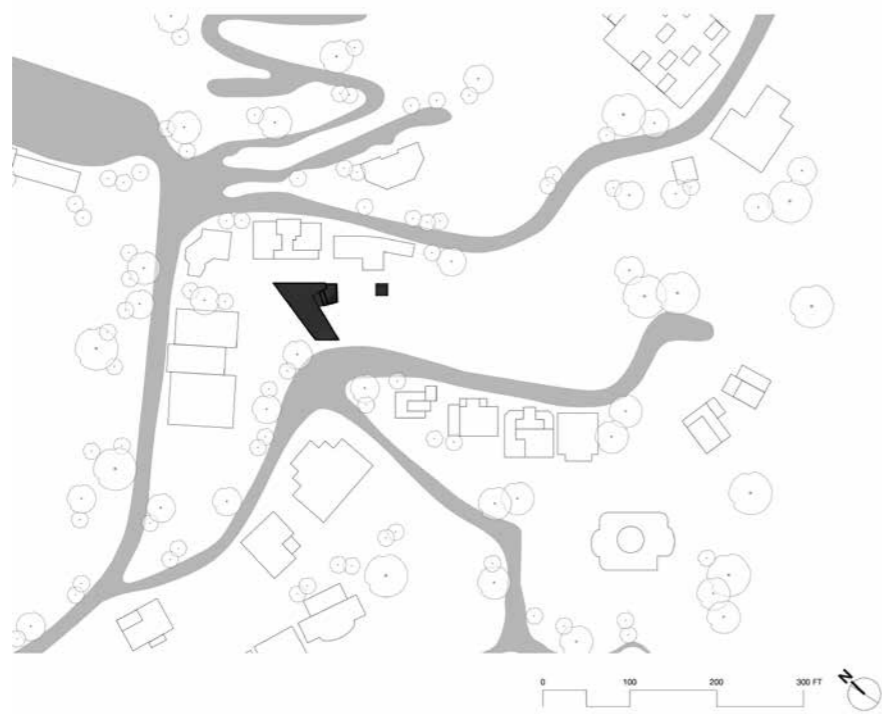
به بیانی ساده‌تر، نویتر و کوربو به عنوان معمارانی مدرن، هر چند به فرم‌های مکعبی سفید ماشینی مشهور شده‌اند، اما دغدغه‌ی فضای انسانی دارند. آنها قدرت معماری را درک کرده‌اند؛ قدرتی که از تلی خاک، فضایی خیال‌انگیز خلق می‌نماید. ایشان با نوشتن می‌کوشند مانیفست آثار خود را صادر کنند و بر لزوم وجود روح معماری در آثار معماری تأکید کنند. تأکید بر روان‌شناسی انسان و محیط و توجه به علوم عصب‌شناختی - با اینکه در زمان ایشان ما در گام‌های نخستین علوم اعصاب بودیم - نشان می‌دهد که ما در مطالعه‌ی تاریخ مدرنیته در معماری، از جوهی غفلت کرده‌ایم. جالب است که ریچارد نویتر در دهه‌ی چهل خورشیدی، به دعوت هوشنگ سیحون به ایران آمد. ورود او مصادف شد با باز شدن چشم معماران ایرانی به آثار مدرن، اما آنها نیز به خطا رفتند و مدرنیته را در مکعب سفید دیدند. کسی به روان‌شناسی و عصب‌شناختی حاکم در آثار نویتر دقت نکرد و ما در حالی با نویتر به واسطه‌ی همایش و همایش آثار آشنا شدیم که می‌دانستیم او مؤلف چندین جلد کتاب نیز هست. کتبی که وی در آنها بر لزوم توجه به علوم اعصاب در معماری تأکید می‌ورزد. او در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ خواسته‌ای فراتر از زمانه‌ی خود مطرح کرد و از طراحان خواست تا زیست‌شناس شوند؛ به این معنا که معمار، توجه خود را نه فقط به انتزاع فرمی، که باید بر گوشت و خون و نیازهای روان‌شناختی آنها متمرکز کند که در جهان مصنوع ساکن می‌شوند. جدا از جمله‌ی مالک، طنز ماجرا آنجا است که خواهران حریری اثر خود را در شأن این جایزه در ایران نمی‌دانستند. زمین‌های جنبی این ملک خالی هستند و ما وقتی به شیب وحشتناک این زمین‌ها و برهوت آنها نگاه می‌کردیم، بیش از پیش به قدرت معماری در خلق فضای انسانی ایمان می‌آوردیم. تا حدودی می‌توان علت افتادگی خواهران حریری پیرامون اثر خود را حدس زد. معماران این بنا در ایران نیستند و تصویری که از ایران داشتند، بسیار کارت پستالی که نه، اینترنتی بود! این روزها حتی بعضی از داخلی‌ها نیز تحت تأثیر فضای مجازی هستند، چه برسد به کسانی که از آمریکا اخبار ایران را رصد می‌کنند و سالی چند روز در تهران هستند. خواهران حریری در برابر آثار داخلی، اثر خود را دارای قدرت رقابتی نمی‌دانستند، زیرا بعضی از تصاویری که از معماری ما مخابره می‌شود با چیزی که واقعاً هست متفاوت می‌باشد. اما کارفرمای آنان که در ایران حاضر می‌باشد و احتمالاً برای ساختن اثر خود به دفاتر بسیاری مراجعه کرده است، از قضیه‌ی باخبر بود. معماران و کارفرمای این بنا، حرف زیادی برای گفتن نداشتند و در چارچوب جایزه با نظمی حرفه‌ای وارد شدند - علی‌رغم آنکه در کمال تعجب، برخی از معماران قانون بازدید حضوری از بنا را غیر ضروری می‌خواندند.

اما در این جایزه، «بودن» در معماری و درک آن از طریق حواس با نگاهی هدفمند و گزینشگر است که اهمیت می‌یابد. این ساختمان از معیارهای روز معماری در ایران فاصله گرفته و به کلاس جهانی نزدیک می‌گردد. یکی از بهترین وصف‌ها می‌تواند معیارهای یوهانی پالاسما در وصف معماری خوب باشد که ماگرو به نقل از او در کتاب مغز معمار: علوم اعصاب، خلاقیت و معماری شرح می‌دهد. او در مقاله‌ی شش مضمون برای هزاره‌ی بعدی (۱۹۹۴) فهرستی از شش نکته برای احیای افسون معماری ارائه می‌دهد که عبارتند از آهستگی (Slowness)، انعطاف‌پذیری، وابستگی به حواس (Sensuousness)، اعتبار (Authenticity)، دلخواه‌سازی (Idealization) و سکوت (Silence). در همین راستا پالاسما پیرامون معماری بر بساوش بصری اینگونه می‌نویسد: «معماری مبتنی بر چشم، تجزیه و کنترل می‌کند، درحالی‌که معماری مبتنی بر بساوش بصری، مجذوب و یکی می‌گرداند» (به نقل از مالگرو، ۲۰۱۰) و خود نیز در آثارش به عمق احساسات دل می‌بندد و نه فرم ظاهر، بنابراین باید قضاوت معماری نیز، با یاری و تمرکز تمامی حواس صورت پذیرد. ما معتقدیم، ویلای لواسان خواهران حریری، که به درستی به عنوان ساختمان سال ایران برگزیده شد، حامل پیام‌های متفاوتی از مناظر گوناگون است، اما بهترین آن، همان است که کارفرما پشت تلفن با اطمینان و رضایت کامل عنوان نمود: «این ساختمان بلد است از خودش دفاع کند!»

**پیشنهادات ما با نگاهی به تجربه‌ی جایزه‌ی ساختمان سال ایران:**

۱. توجه به علوم روز جهان معماری، خصوصاً جریاناتی که سطحی و مدمآبانه نیستند و در لایه‌های عمیق معماری جهان نقش دارند.
۲. گذر از فرمالیسم معماری، خصوصاً فرمالیسمی که منجر به حذف انسان، افزایش هزینه‌ها، دوری از واقعیت معماری و آسیب به منافع فردی و ملی می‌گردد.
۳. گذر از معماری پرحرف، اما کم‌ارزش که می‌کوشد با حرف‌های پراکنده و دور از اصل معماری، آن را توجیه کند.
۴. گذر از تصویرسازی در معماری، خصوصاً آنجا که تلاش می‌شود با تبدیل فضای سه‌بعدی به عکس دوبعدی، آن را اصلاح نمود.
۵. گذر از زیبایی‌شناسی صوری که اغلب بر اساس الگوهای کهن شکل گرفته‌اند. اصولی که فضای معاصر و آینده‌بینی در آن جایی ندارد. از آنجا که خط‌کش‌های زیبایی‌شناسی بر اساس فرهنگ غربی متر شده‌اند، ممکن است با روحيات ما حتی در تعرض باشند.
۶. توجه بیشتری به دانش‌های نوین فرامعماری در آموزش معماری و فرهنگ‌سازی مبتنی بر معماری با علوم اعصاب شود.
۷. ترویج طراحی معماری بر اساس معیارهای انسان‌محور صورت پذیرد.
۸. به معماری چند حسی توجه شود.
۹. تلاش در جهت ترغیب مهندسان مشاور با تجربه و متبحر و دیگر بخش‌های معماری که بی‌توجه به جریانات معماری جهان، به طراحی و اجرای آثار دولتی مشغول هستند.



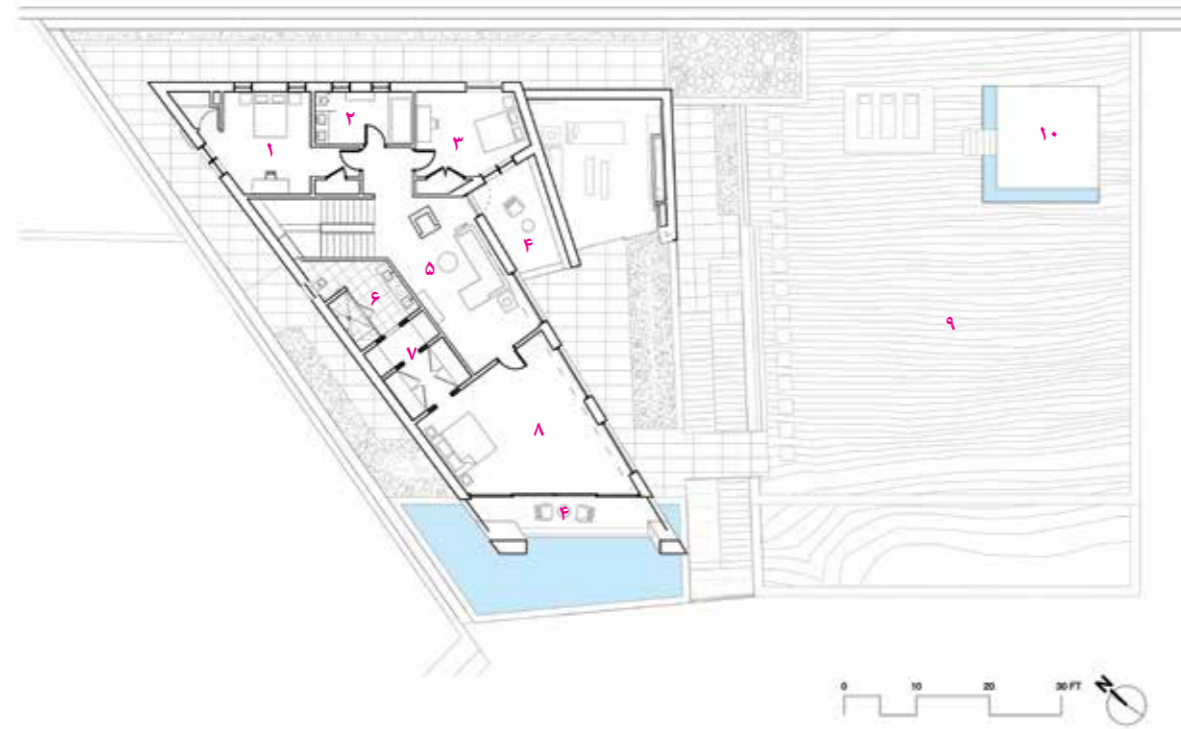


سایت پلان









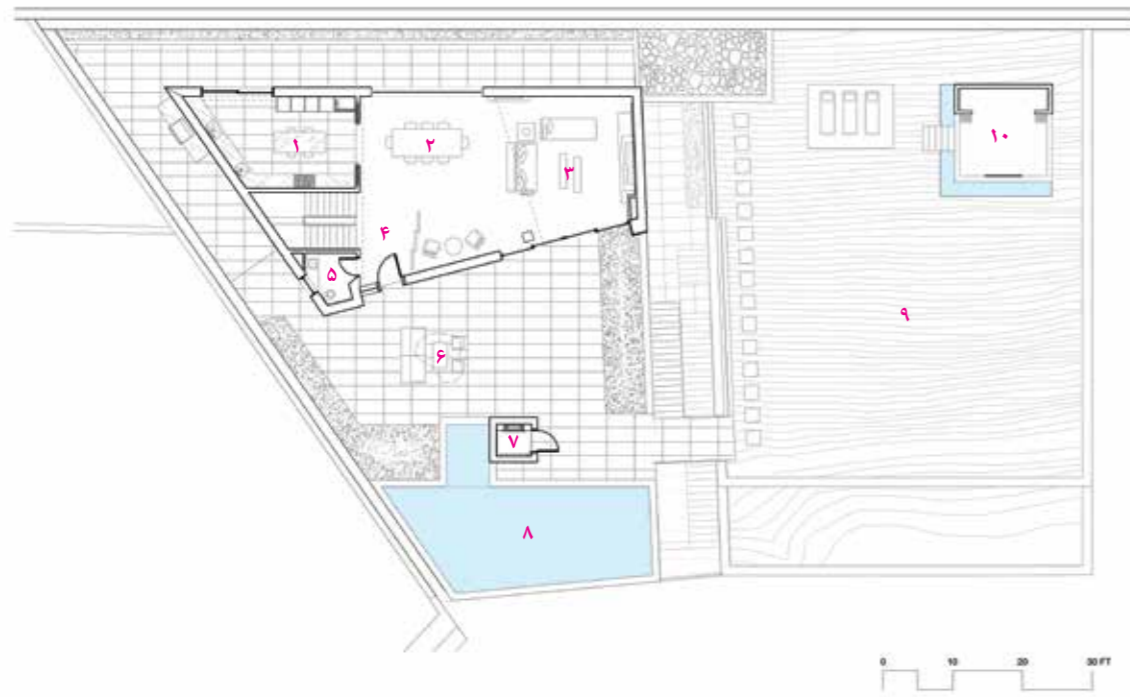
پلان طبقه دوم  
 ۱. اتاق ۱ ۲. سرویس حمام و دستشویی ۳. اتاق ۲ ۴. بالکن ۵. نشیمن خانواده ۶. سرویس حمام و دستشویی اصلی ۷. اتاق لباس ۸. اتاق خواب اصلی ۹. باغچه ۱۰. شاه نشین



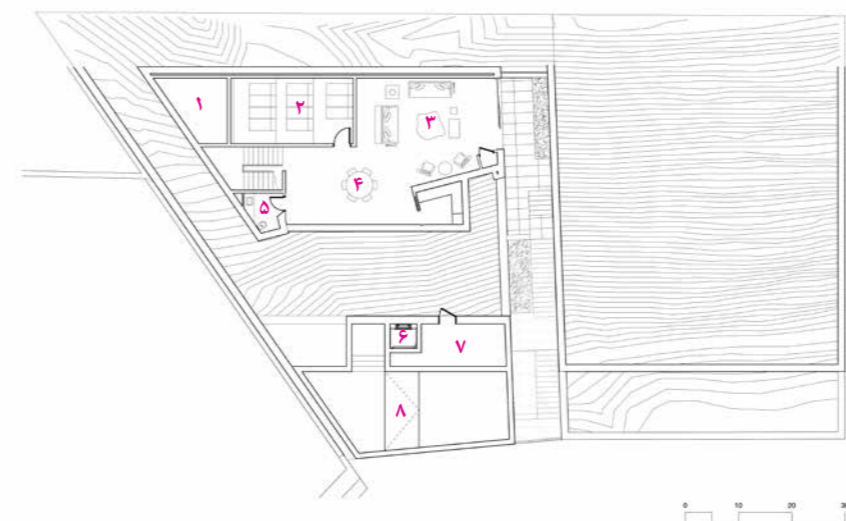
پارکینگ  
 ۱. پارکینگ ۲. آسانسور ۳. ایوان ورودی ۴. مسیر ورودی اصلی ۵. پارکینگ مهمان ۶. سرایداری



سوئیت مهمان  
 ۱. حمام مهمان ۲. اتاق خواب مهمان ۳. آشپزخانه ۴. نشیمن ۵. آسانسور



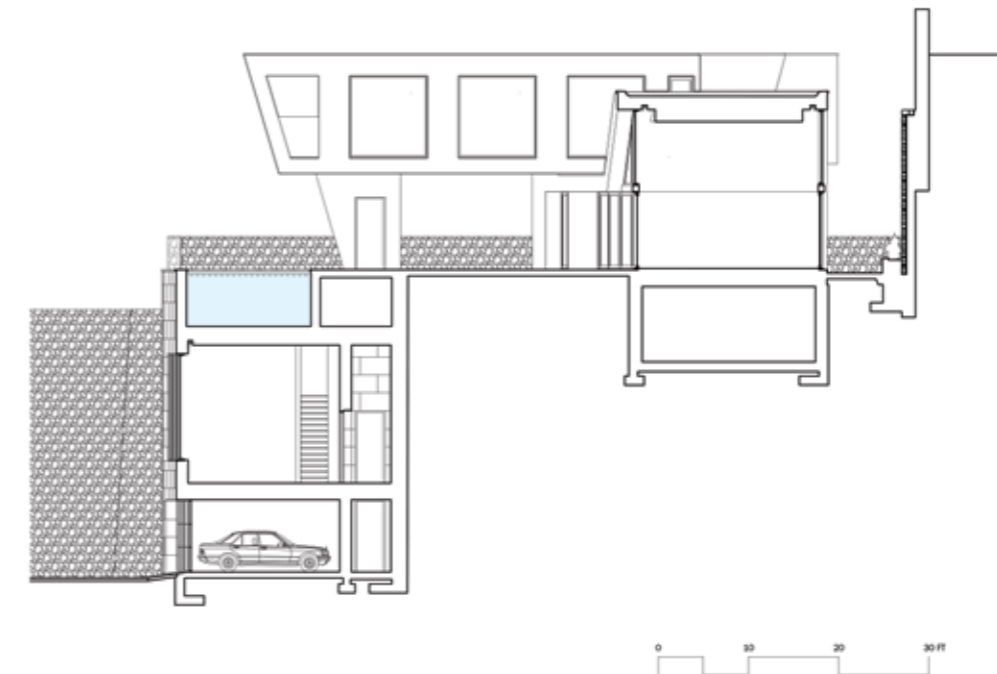
پلان طبقه اول  
 ۱. آشپزخانه ۲. اتاق غذاخوری ۳. اتاق نشیمن ۴. ورودی اصلی ۵. اتاق آرایش ۶. تراس ۷. آسانسور ۸. استخر ۹. باغچه ۱۰. شاه نشین



طبقه سرگرمی  
 ۱. تأسیسات ۲. سینما ۳. اتاق نشیمن ۴. فضای بازی ۵. اتاق آرایش ۶. آسانسور ۷. تجهیزات استخر ۸. استخر



نمای جنوبی



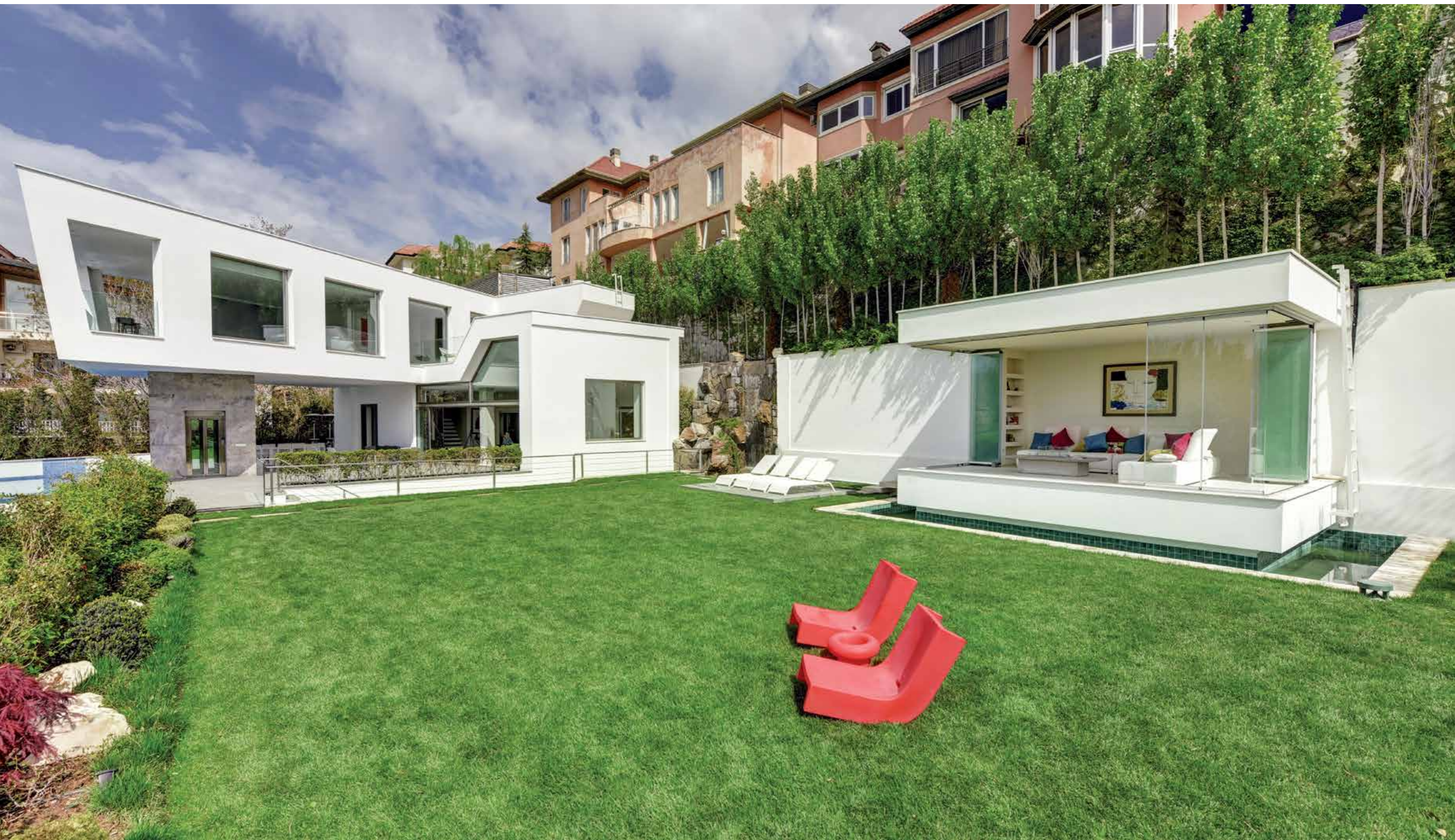
مقطع شرقی

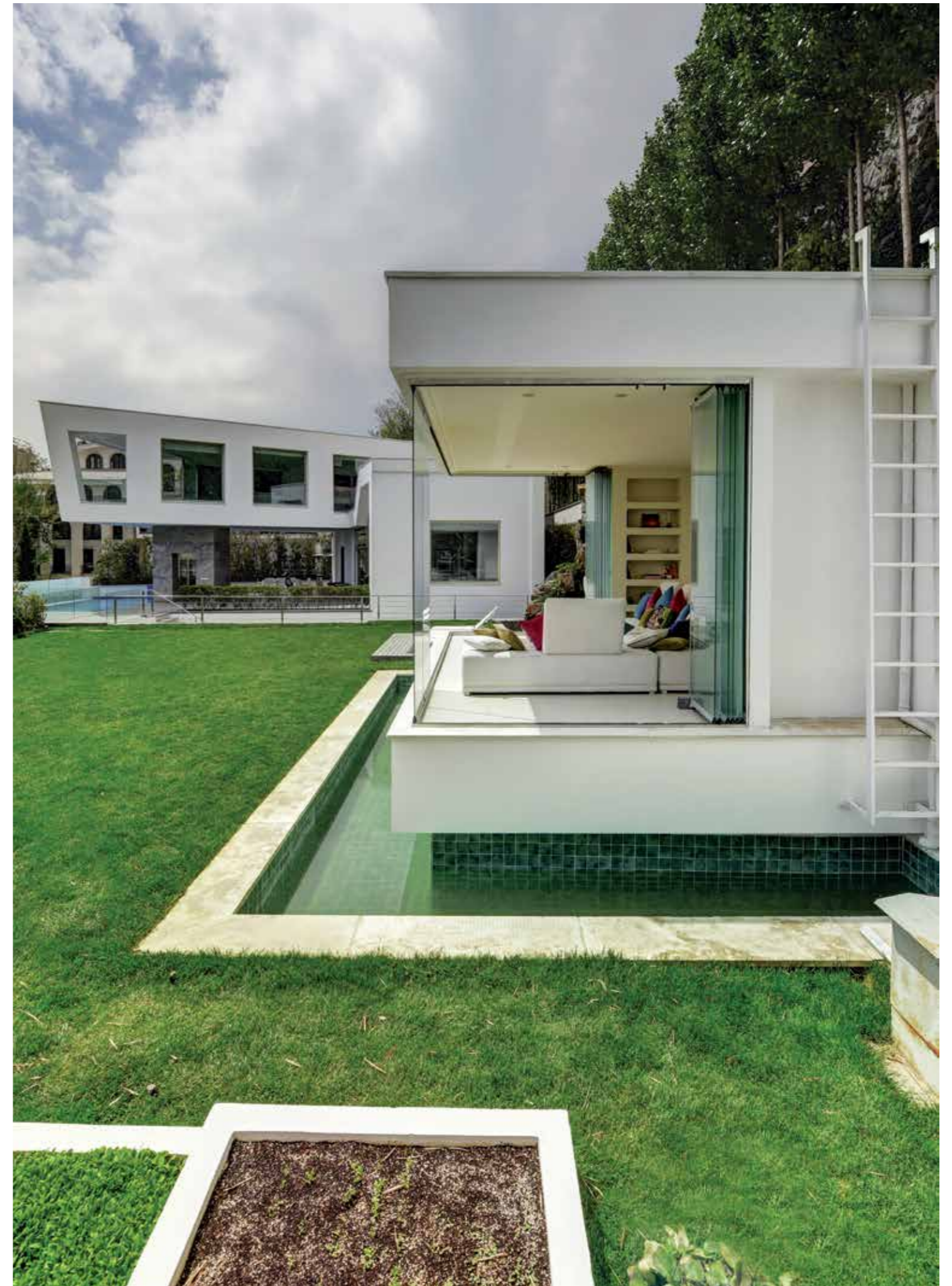




















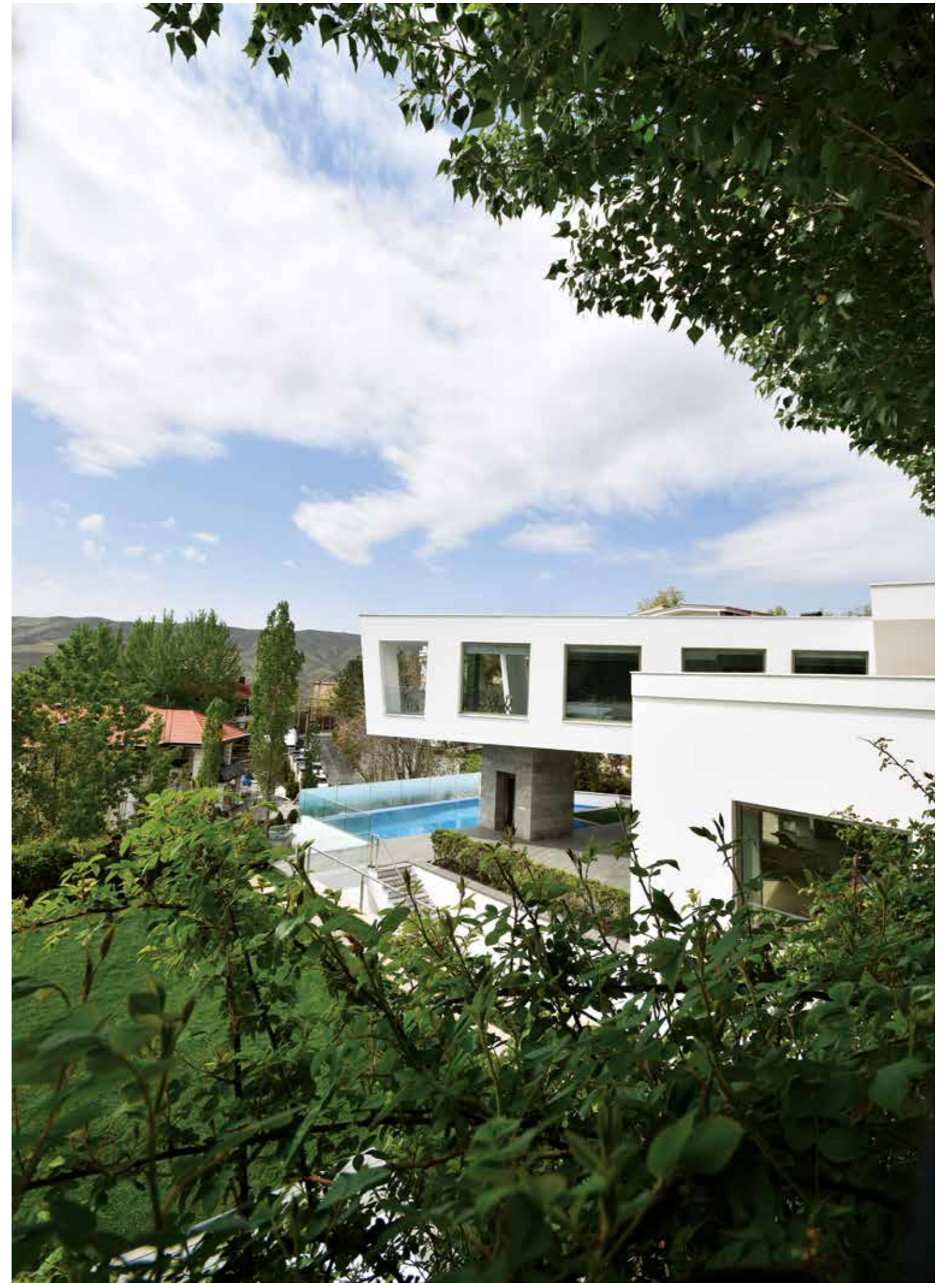
[تصویر از آرشیو شرکت Hariri & Hariri]



روند اجرای پروژه طی عملیات ساخت



↑↑ منابع الهام‌گیری از معماری ایرانی





#### منابع

- مالگریو، هری فرانسیس (۲۰۱۰). مغز معمار: علوم اعصاب، خلاقیت و معماری، ترجمه‌ی کریم مردمی و سیما ابراهیمی (۱۳۹۵). تهران: هنر معماری قرن. صص ۱۴۹-۱۴۶، ۱۸.
- خبرگزاری خبر آنلاین. مصاحبه با حسن بلخاری در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۹۵. تاریخ دسترسی ۳۱ فروردین ۱۳۹۶. از <http://www.khabaronline.ir/detail/644806/weblog/bolkhari>